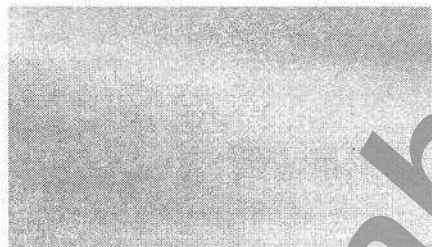


پنجره شعر امروز



کمی باران تر

محمد حسن ارجمندی

پنجره شعر امروز

سرشناسه: ارجمندی، محمدحسن
عنوان و پدیدآور: کمی باران تر / محمدحسن ارجمندی
مشخصات نشر: تهران مایا ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری: ۸۴ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۶۶۴-۲-۹
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴
رده‌بندی کنگره: ۸۱۳۹۳ ک ۴۶۳ ر ۷۹۵۳ PIR
رده‌بندی دیوبی: ۸۶۲/۱
شماره کتابخانه ملی: ۳۵۸۲۳۳۰

ما:یا

انتشارات مایا

کمی باران تر

محمدحسن ارجمندی

نشر: مایا

چاپ اول ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۶۶۴-۲-۹

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: ترنج

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ می‌باشد.

E: nashrmaya@gmail.com

خیابان فخررازی، خیابان شهدای زاهدانمری غربی، پلاک ۸۸

تلفن: ۶۶۴۱۱۴۸۵

تلفن همراه: ۰۹۱۹۵۱۴۴۱۰۰

آدرس سایت مولف: www.arjmandifar.ir

فهرست

۴۷	کوچه باغ	۵	مقدمه
۴۹	آرام جان	۹	کوچه سفالی‌ها
۵۱	نغمه‌های نینوا	۱۱	اعتراف
۵۳	شب غم	۱۳	کمی باران تر
۵۵	بهانه لازم نیست	۱۵	خوب است
۵۷	رخش اندیشه	۱۷	انگیزه‌های کور
۵۹	ترنم	۱۹	شب و کبوتر
۶۱	در میان آب و آتش	۲۱	آتش
۶۳	کوچه‌ها	۲۳	نوازش‌های تو
۶۵	زیر باران	۲۵	... باشی
۶۷	عرصه سیمرغ	۲۷	غزال غزل
۶۹	خواب و سراب	۲۹	خویش‌تر
۷۱	کیمیستی؟	۳۱	نزدیک دور
۷۳	مرغ آتش	۳۳	شکایت‌نامه
۷۵	معیار بیابانی	۳۵	امید
۷۷	گل نیلوفر آبی	۳۷	یوسف هماره
۷۹	بیست	۳۹	بلند بالا
۸۱	هنوز هست	۴۱	بی بهانه
۸۳	دلشکسته	۴۳	با تو بودن
		۴۵	حیرت آباد

مقدمه

نمی‌توانم به گذشته و به سال ۱۳۶۶ بازگردم و یادی از روزهای تماشای سریال هزارستان نکنم. روزهایی که با ضبط کوچک دستی ام صدای سریال را از ابتدا تا انتها ضبط می‌کردم و از اهل خانه می‌خواستم در تمام مدت پخش سریال ساکت باشند تا من تمام دیالوگ‌ها و موسیقی اثر را - بی کم و کاست - روی نوار کاست ضبط کنم.

یاد روزهایی که صدای ضبط شده سریال را بارها و بارها گوش می‌کردم و تمام دیالوگ‌های شعرگونه استاد حاتمی را از بر بودم و جا به جا تکرار می‌کردم.

یاد روزهایی که دست به قلم بردم تا در بازی با کلمات، نوشتم را به دیالوگ‌های هزارستان نزدیک کنم. دیالوگ‌هایی که شعر بود. برای همچون او نوشتن لازم بود ادبیات بدانم، پس چراغ گرایش به ادبیات منظوم و منثور را با مطالعه بیشتر، فراروی ذهن خود روشن کردم. یاد روزهای پاییزی سال ۱۳۶۷ در دبیرستان البرز به خیر که معلم

تربیتی سال اول دبیرستان، آقای جعفریان داستان‌های کوتاه آقای کاتب را برای ما می‌خواند و این چنین بود که نوشتن را با داستان‌نویسی آغاز کردم و مجموعه داستان کوتاهی به نام «داستان‌های محمد» نوشتم و این آغاز راه بود.

در سال‌های دبیرستان، جسته و گریخته شعرهایی می‌گفتم اما درس و تکلیف و مدرسه، مجال پرداختن بیشتر به شعر و ادبیات را نمی‌داد. روزها و سال‌ها از پی هم آمد تا این که سال ۱۳۷۲ در رشته مهندسی کشاورزی در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران پذیرفته شدم و به کرج رفتم و با دو نفر از دوستان هم رشته‌ای - آقایان رضا معالی و رضا زهانی - هم اتاق شدم. دوستانی که از اقبال بلند من، علاقه‌مند به شعر بودند و بیش از من شعر می‌دانستند.

گاهی برخی رخدادها - چه ساده - سبب‌ساز اتفاق‌های مهمی در زندگی انسان می‌شوند. روزی هنگام بازگشت از دانشکده و ورود به خوابگاه، شیشه‌ای یکی از اتاق‌های خوابگاه به یکباره فرو ریخت و صدای مهیبی از آن برخاست.

شاید آن روز باید شیشه‌ای می‌شکست تا قریحه مرا بیدار کند و مرا در مسیری تازه اندازد. وقتی آن شیشه فرو ریخت بی‌درنگ این مصراع در ذهن من نقش بست:

مَشکن شیشه عمرم به سرانگشت اشارت

و بعد در ادامه این مصراع را به آن افزودم:

که خدا می‌دهد صد غم و اندوه بشارت

و بعد غزلی را بر این سیاق سرودم و غزل و غزل‌های بعدی و دوستانی که با وجود خامی و ناموزونی شعرهای نخست، مرا به ادامه کار تشویق کردند و ۲۰ سال از آن روز گذشته است و هنوز دست بر دامن دلبر شعر و ادبیات دارم.

روح مرحوم علی حاتمی شاد، که سبب‌ساز خیر بود.

از نگارش متون ادبی تاکنون دو کتاب به نام‌های «زیر باران نماز» و

«علی (ع)، خورشید بی غروب» نوشته و به چاپ رسانده‌ام و اکنون این دفتر که امیدوارم در نظر اهل فن خوش نماید، به لطف استادی، خود از کاستی‌های آن درگذرند و بار هنرمودهایشان چراغ راهی باشند برای این مسافر که همراه در حوزه شعر، به شاگردی سربلند بوده است.

در پایان از تمام دوستان و اساتیدی - که حتی با آموختن یک کلمه، بر من حق استادی داشته‌اند - تشکر می‌کنم و از این که به سبب فراوانی این بزرگواران، نمی‌توانم نامشان را ببرم، پوزش می‌طلبم و از آنها به نیکی یاد می‌کنم.

همچنین لازم می‌دانم از پدر و مادر و خواهرانم که شنونده اولین شعرهای من بوده و همسرم که در میانه این راه به من پیوست، شعرهای مرا به جان شنید و چند غزل را در علاقه‌مندی به او سرودم و سبب‌ساز سرایش ابیاتی از اشعارم بود، تشکر کنم.